

عنوان:

گزارش شاخص سیمرغ توسعه؛

سال ۱۴۰۱ و دورنمای سال ۱۴۰۲

چکیده:

گزارش حاضر به تشریح شاخص سیمرغ توسعه ایران برای سال ۱۴۰۱ اختصاص دارد. شاخص سیمرغ توسعه در سال ۱۴۰۱، رقم ۴۹,۸۵۶- واحد را ثبت کرد که از نمره ممکن در فاصله بین ۱۰۰- تا ۱۰۰+ کسب شده است و ۱۰۰+ به معنای تقویت کامل قوه توسعه ایران در صورت اقدامات مثبت بازیگران موثر بر توسعه برای همه شاخص‌ها و ۱۰۰- به معنای عکس آن است.

گزارش حاضر در ۵ بخش و یک پیوست، تنظیم شده است؛ ابتدا نمره شاخص سیمرغ توسعه برای قوه پویا و قوه مقطعی، یا مسی‌سازی بلندمدت و مقطعی، تشریح می‌شود؛ ادامه گزارش به شرح مقایسه‌ای وضعیت ایران از نظر شاخص کنشگران توسعه، اختصاص دارد؛ بخش سوم به شاخص فرصت‌های تطبیقی می‌پردازد؛ بخش چهارم درباره شاخص چگونگی توسعه است؛ و بخش پنجم، تحلیلی مبتنی بر قوت‌ها و ضعف‌های اصلی توسعه ایران را ارائه می‌دهد. در واقع، بخش پنجم در دل بخش چگونگی توسعه، ارائه شده است تا اهمیت چگونگی را نشان دهد. بخش پیوست نیز شرحی بر روش محاسبه شاخص سیمرغ توسعه است. البته، شاخص کنشگران توسعه بر اساس شاخص‌های موسسه لگاتوم، محاسبه شده‌اند.

کلیدواژه: سیمرغ توسعه، توسعه ایران، شاخص سیمرغ توسعه

تاریخ: ۷ فروردین ۱۴۰۲

## فهرست مطالب

۴	۱. سیمرخ توسعه.....
۴	۱-۱. مسیرسازی برای بلندمدت.....
۵	۱-۲. فرصت‌سازی برای مقطع جاری.....
۷	۲. شاخص کنشگران توسعه.....
۸	۲-۱. شاخص تودرتویی.....
۹	۲-۲. شاخص عرصه حقوقی.....
۱۲	۲-۳. شاخص کنش-واکنش کنشگران.....
۱۴	۳. فرصت‌سازی تطبیقی.....
۱۶	۴. چگونگی توسعه.....
۱۸	۴-۱. آینده توسعه ایران.....
۲۷	پیوست: محاسبه شاخص سیمرخ توسعه.....



## ۱. سیمرغ توسعه

در سال ۱۴۰۱، بدترین عملکرد شاخص سیمرغ توسعه با عدد ۴۹,۸۵۶- واحد ثبت شد؛ به عبارت دیگر، اگر اقدامات تمامی کنشگران موثر بر توسعه ایران، اقدامات مثبتی می‌بود آنگاه کل قوه توسعه ایران برای سال ۱۴۰۱، می‌بایست به اندازه ۴۹,۸۵۶ از ۱۰۰ واحد، تقویت می‌شد اما در عمل، این قوه تضعیف شد. میزان تضعیف قوه پویا یا مسیرسازی بلندمدت برابر با ۱۵,۵۸۸- و میزان تضعیف قوه مقطعی یا مسیرسازی کوتاه‌مدت برابر با ۳۴,۲۶۸- بود. البته نکته مهم در این سال، جنبش حقوق‌خواهی متقاطع ژینا بود که اثر مثبتی در زمینه رفع تبعیض و ترمیم شکاف را دنبال می‌کرد و سیمرغ‌شدگی ۲,۷۹ واحدی را به دنبال داشت. در ادامه گزارش، هر یک از این موارد، به همراه تحلیل شاخص‌های کنشگران توسعه، فرصت‌سازی تطبیقی، چگونگی توسعه، تشریح می‌شود و در بخش پایانی، آینده‌های احتمالی سیمرغ توسعه در سال ۱۴۰۲، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۱-۱. مسیرسازی برای بلندمدت

در زمینه مسیر بلندمدت توسعه، ۶۸,۷۵ درصد از اثرگذاری کنشگران بر سیمرغ توسعه، روی شاخص تبعیض از قوه پویای سیمرغ توسعه، یا مسیرسازی بلندمدت، اثر گذاشته است و ۵۰ درصد از این اثرگذاری‌ها به سازمان‌های حاکمیتی، ۲۰ درصد به سازمان‌های اجرایی، و ۳۰ درصد به سازمان‌های مردمی (برای رفع تبعیض) مربوط می‌شود. عدم تبعیض در

تعریف حقوق گروه‌های جنسیتی، زیرشاخصی است که بیشترین اثر از اقدامات بازیگران موثر را پذیرفته است. نکته مهم این است که در میان شاخص‌های متاثر، مدیریت تعارض منافع برای کنترل فساد و امکان پایش مقامات توسط سازمان‌های مستقل مردمی و مدنی نیز به چشم می‌خورد که تضعیف آنها به معنای کنترل ضعیف‌تر بر فساد اقتصادی و سیاسی است.

خشونت و تبعیض علیه زنان، از برجسته‌ترین مشخصه‌های تضعیف

سیمرغ توسعه در سال ۱۴۰۱ بود. این خشونت و تبعیض در موارد پرشماری مانند حادثه ناگوار برای مهسا امینی در جریان گشت ارشاد و ماجرای برخورد خشن با دیگر زنان و دختران مشاهده شد. البته تبعیض میان گروه‌های مختلف در تعریف حقوق و دسترسی به حقوق و فرصت‌ها، فقط به زنان، محدود نمی‌شود و گروه‌های مختلف قومیتی، مذهبی، یا حتی گروه‌هایی با نگرشی متفاوت با هسته حداقلی طرفداران ایدئولوژی گروه حاکم نیز دچار این تبعیض هستند.

در رابطه با زیرشاخص مهار زور نیز و ترویج رواداری نیز دو زیرشاخص آزادی تجمع بدون اعمال زور و خشونت و عدم دخالت نظامیان در امور اقتصادی و تخصیص منابع، در این سال، تضعیف شدند. در رابطه با زیرشاخص ترمیم شکاف نیز تضاد بین نهادهای رسمی و غیررسمی، از بسیاری جهت، تشدید شد؛ برای نمونه، ممنوعیت فروش داروی ضدبارداری در

**تصمیم مجلس مبنی بر خارج شدن  
مصوبات شورای عالی فضای مجازی و  
شورای انقلاب فرهنگی از شمول  
آیین دادرسی دیوان عدالت اداری**

داروخانه‌ها، یا تاخیر زیاد در رسیدگی به مسئله مسمومیت دانش‌آموزان و سعی برخی رسانه‌ها در جلوه‌دادن آن به صورت امری بزرگنمایی یا حالتی از هیستری و تنظیم حالت جستجوی ایمن گوگل برای تمام ایرانیان، از جمله اقداماتی بود که تضاد بین خواسته‌ها و ترجیحات شهروندان را با رویکردهای دولت، نشان می‌دهد و آزادی انتخاب آنها را محدود می‌کند. این تضاد حتی در *تورش رسانه‌ای* نیز به چشم می‌خورد؛ در بحبوحه جنبش حقوق‌خواهی، روزنامه دولت اعلام کرده بود که مردم واقعیت‌ها را نمی‌بینند چون قدرت روایت بر قدرت واقعیت، غلبه دارد در حالی که همین نقد در رسانه‌های غیردولتی به دولت وارد شد که واقعیت‌های ملموس برای مردم در زمینه فشارهای شدید اقتصادی و تبعیض‌های حقوقی و فسادهای گسترده را نادیده می‌گیرند!

هر چه شکاف و تبعیض، بیشتر شود آنگاه دایره جمعیت دارای دسترسی به منابع و فرصت‌های توسعه، تنگ‌تر می‌شود. در حال حاضر، دایره دسترسی به فرزندان و وابستگان مقامات و کاسبان تحریم، محدود شده است. اما باقی جمعیت با تورم مهارگسیخته، کمبود دارو و استرس آینده دست به گریبانند.

### ۱-۲. فرصت‌سازی برای مقطع جاری

همانند دوره‌های پیشین، بیشترین اثرگذاری بازیگران موثر بر توسعه در زمینه فرصت‌سازی بود به طوری که ۶۳٫۸ درصد اقدامات، بر این زیرشاخص اثر گذاشت. می‌توان [طرح مولدسازی دارایی‌های دولتی](#) را به مثابه مهمترین اثر بازیگران در زمینه فرصت‌سازی مقطعی به حساب آورد. البته بهتر است در عوض مفهوم مولدسازی، مفهوم فروش به کار رود چون مولدسازی به معنای مدیریت دارایی برای ثمردهی آن و تولید ثروت از آن است و فروش، لزوماً به مولدسازی نمی‌انجامد. مصونیت گروهی که مولدسازی را به عهده دارند نیز دومین نقطه ضعف مهم این طرح به شمار می‌رود چون برای مدیریت تعارض منافع این گروه، تمهیدی در نظر گرفته نشده است. افزون بر این، فروش دارایی‌های دولتی به قیمتی پایین انجام می‌پذیرد در حالی که حقوق مالکیت اصلی این دارایی‌ها متعلق به شهروندان ایرانی است و فروش به قیمتی پایین‌تر از قیمت ذاتی می‌تواند حقوق مالکیت شهروندان را نقض کند.

از سوی دیگر، فهرست بلندی از فرصت‌سوزی‌های بین‌المللی نیز در سال ۱۴۰۱ مشاهده شد که از مهمترین آنها می‌توان به قرارداد ۶۰ میلیارد دلاری گازی چین با قطر برای میدان مشترک پارس جنوبی، ساخت پالایشگاه ۴٫۵ میلیارد دلاری نفت در بندر گوادر پاکستان، اشاره کرد. افزون بر این، پاکستان نیز به سمت خط لوله گازی ترکمنستان گروید و ریسک شراکت گازی با ایران را بالا دانست در حالی که قرارداد ایران با پاکستان، پیش از قرارداد این کشور با ترکمنستان و روسیه، منعقد شده بود.

اگرچه در همین سال، رخدادهایی مانند توافق با عربستان به تعامل در عوض تنش و ارتباط بهتر با امارات متحده عربی، فرصت‌ساز و مثبت هستند اما باید توجه داشت که [منطقه‌گرایی فرصت‌ساز است اما نباید آن را به مثابه جانشین جهان‌گرایی و تعامل سازنده با جهان بر اساس قواعد بازی جهانی، در نظر گرفت چون](#)

روابط بین‌المللی بر روابط منطقه‌ای و ائتلاف‌ها و همکاری‌های موقتی و مقطعی، کارگر می‌افتند.  
همچنان ایران در زمره کشورهای پرریسک است و تا زمان احیای برجام، این ریسک، مدیریت  
نشده باقی می‌ماند.

مدیریت منابع آب و محیط زیست نیز دومین نماگر مهم از این زیرشاخص است که توسط بازیگران متعددی، تحت تاثیر قرار می‌گیرد. بحران آب از مهمترین معضلات توسعه ایران در دهه ۱۴۰۰ خواهد بود. ابعاد این بحران از آب مورد نیاز خانوارها تا بخش صنعت و کشاورزی و پیامدهای زیست‌محیطی مخربی مانند بیابان‌زایی، گسترده است. بخش عمده بحران نیز به مدیریت منابع آب مربوط می‌شود. مطابق آمار سازمان بازرسی در سال ۱۳۹۴، به‌ازای هر ۱۰۴ ایرانی، یک حلقه چاه وجود دارد. یعنی تا این سال ۷۵۴ هزار حلقه در کشور حفر شده و این آمار در سال ۱۴۰۰ به ۹۰۰ هزار حلقه چاه رسیده که ۴۲ درصد آن‌ها غیرمجاز است. به عنوان نمونه‌ای دیگر، مقرر شده است تا برای پروژه پتروشیمی بهبهان، سد مارون دو در بالادست سد مارون یک ساخته شود که پیامد آن، کاهش آب در تالاب شادگان خواهد بود. مصرف سالانه این پتروشیمی، در حدود ۱۸ میلیون مترمکعب آب است. کاشت محصولات آب‌بر (مانند هندوانه) در مناطق کم‌آب (مانند سمنان) نیز از دیگر جنبه‌های این مدیریت ناکاراست. در نتیجه چنین شیوه‌ای از حکمرانی آب، طبق پیش بینی فائو به دلیل خشکسالی و نبود مدیریت صحیح منابع آبی در ایران، کشورمان در سال‌های آینده ۷۰ درصد زمین‌های کشاورزی خود را از دست خواهد داد و این یعنی فاجعه. ارنسانسان می‌گویند تنها راه چاره ریاضت حداقل ۱۰ سال آبی و تغییر الگوی کشت خواهد بود.

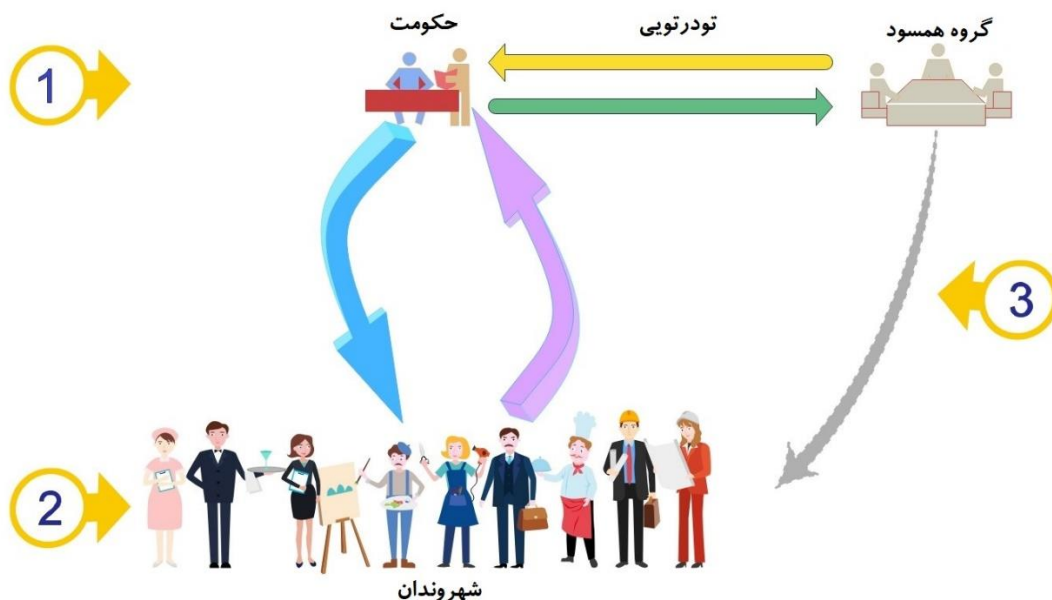
در زمینه فرصت مبادله نیز، اختلال و قطعی گسترده اینترنت، بی‌ثباتی سرعت اینترنت، مهمترین اثر منفی بازیگران موثر بر توسعه در زمینه مسیریابی مقطعی بود که باعث بروز پدیده‌هایی مانند مهاجرت جمعی فعالان حوزه فناوری اطلاعات و استارت‌آپی شد. سرعت واقعی اینترنت با میزان اعلامی مقامات پاسخگو در این زمینه، تفاوت اساسی دارد و برای این کندی و اختلال، عوامل ضدونقیضی مطرح می‌شود در حالی که در اصل، اجرای خاموش طرح صیانت، فرصت مبادلات را به شدت کاسته است. در واپسین روزهای تابستان ۱۴۰۱، واکنش دولت به جنبش حقوق‌خواه نیز به صورت قطعی روزانه اینترنت در عصرها و فیلترکردن دو پیام‌رسان پرکاربرد کسب‌وکارها و افراد (واتساپ و اینستاگرام) بود.

## ۲. شاخص کنشگران توسعه

نمودار ۱ زیربنای اصلی شاخص کنشگران توسعه را نشان می‌دهد. قسمت ۱ و ۲ نمودار، نشانگر رابطه بین حکومت و شهروندان است اما قسمت ۳، لایه پنهانی را نمایندگی می‌کند که مربوط به بازی گروه‌های حاکم با گروه‌های همسودشان است و شهروندان اغلب اطلاعات شفافی از آن، دریافت نمی‌دارند. در اصل، قسمت ۱ لایه طراحی نهادی است یعنی تعریف، تضمین و اجرای حقوق، قواعد مرز، تخصیص، انتخاب، اطلاعات و غیره در این لایه و بر اساس چانه‌زنی، طراحی می‌شوند. سازمان‌های فرادست در این چانه‌زنی مشارکت دارند و میزان چیرگی زور و تبعیض، بر اساس روابط درونی میان این سازمان‌های فرادست و توانایی سازمان‌های جامعه مدنی در کشاندن آنها به سمت مهار زور و رفع تبعیض، کیفیت مسیر توسعه را تعیین می‌کند. اما مبنای چانه‌زنی بین این سازمان‌ها، فرصت‌هایی است که در لایه مبادله منابع، درک کرده‌اند و می‌کوشند تا قواعد را طوری طراحی یا حفظ کنند که بتوانند بیشترین بهره را از این فرصت‌ها ببرند. در واقع، آنها در لایه مبادله منابع، دارای نقشی در قامت مراجع منابع (تولیدکننده کالا یا خدمت)، مراجع دانش (کاشفان فرصت‌ها و منابع یا روش تبدیل منابع)، یا مراجع اطلاعات (مجرای انتشار اطلاعات درباره فرصت‌ها، منابع و عامل پیوند و بازخورد میان کنشگران)، یا دارای نقشی در قامت نمایندگان (کارگزاران) این گروه‌ها هستند. مراجع منابع می‌توانند در دو گونه رانت‌جو یا ریسکی، تکثیر شوند؛ گونه رانتی به فعالیت‌های نامولد و ویژه‌خواری گرایش دارد اما گونه ریسکی به دنبال به فعالیت مولد و خلاقانه می‌پردازد. مراجع دانش نیز در قالب دو گونه مبتکر و مقلد، تکثیر می‌شوند؛ گونه مقلد چیزی به سطح موجود دانش نمی‌افزاید اما گونه مبتکر فرصت‌های جدید را کشف می‌کند و روش‌های تبدیل منابع به ثروت را ارتقا می‌دهد. مراجع اطلاعات نیز به همین ترتیب در قالب دو گونه مروج-مدافع و واقعیت‌یاب تکثیر می‌شوند به طوری که دسته اول در خدمت پروپاگاندای ائتلاف غالب است اما دسته دوم به دنبال شفافیت و اصلاح خمیدگی اطلاعات است. در واقع، قسمت ۳ از نمودار ۱ مربوط به بازی گروه همسود در لابی برای حداکثرسازی منافعشان از منابع ملی (به زیان بهینه شهروندان و منافع ملی) است که در لایه طراحی نهادی یا عرصه حقوقی به صورت تبعیض و زور علیه برخی از گروه‌های شهروندان و در لایه مبادله منابع به صورت تلاش برای تکثیر گونه‌های رانتی، مقلد، مدافع خادم منافعشان است. مفهوم تودرتویی در نمودار ۱، به این شرایط اشاره دارد. بهینه‌سازی فرادستان قدرت و گروه همسودشان، به زیان بهینه شهروندان و منافع ملی و در جهت تکثیر گونه‌های توسعه‌سوز در لایه مبادله.

حامی‌پروری، قوه قضائیه غیرمستقل، دخالت نظامیان در سیاست و اقتصاد، نمونه‌های برجسته از تودرتویی هستند. از این منظر، توسعه به معنای توانایی جامعه مدنی در کشف این بازی‌های پنهان، آشکارسازی آنها و مقیدساختن فرادستان قدرت در یک بستر تعاملی به بهینه شهروندان و منافع ملی است تا امکان تکثیر گونه‌های مولد، مبتکر و واقعیت‌یاب در لایه مبادله منابع، بر اساس سیاست بدون تودرتویی، فراهم شود. توانایی جامعه مدنی در کشف و آشکارسازی بازی‌های پنهان و مقیدساختن فرادستان قدرت، به میزان سیم‌رغ‌شدگی جامعه مدنی و حقوق‌خواهی متقاطع در میان شهروندان بستگی دارد.

نمودار ۱. ساختار تودرتویی در رابطه حکومت و شهروندان

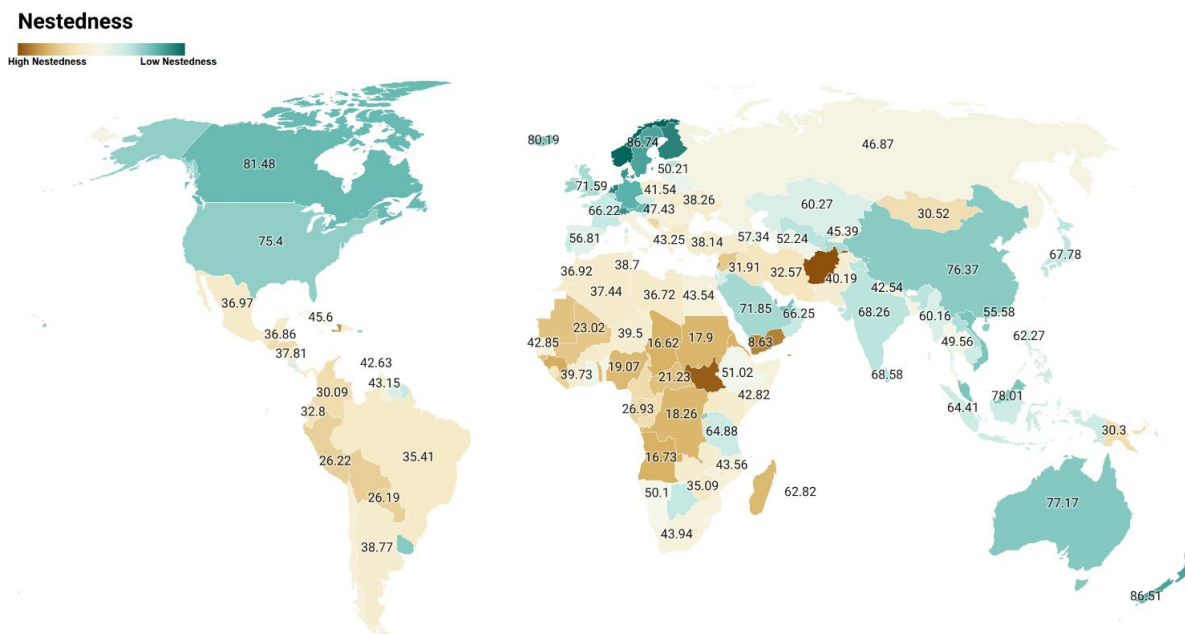


**۲-۱. شاخص تودرتویی**

نقشه ۱ شاخص تودرتویی کشورهای جهان را نشان می‌دهد. نقاط سبزپررنگ، نمرات بالاتر از ۰,۷ و نقاط قهوه‌ای، نمرات کمتر از ۰,۳ واحد را منعکس می‌سازد. هرچه رنگ سبز پررنگ‌تر باشد نشانگر حامی‌پروری و بازی‌های پنهان کمتر و هر چه رنگ قهوه‌ای پررنگ‌تر باشد نشانگر حامی‌پروری و بازی‌های پنهان بیشتر است به طوری که حقوق، فرصت‌ها و منابع به طور برابر و بدون تبعیض، در اختیار کل گروه‌های جمعیتی نیست. کشورهایی مانند نروژ، نیوزیلند و کانادا در دسته اول و کشورهایی مانند سوریه، یمن و ونزوئلا در دسته دوم، قرار گرفته‌اند. از نظر زیرشاخص سیاست دور از تبعیض و غیرحامی‌پرورانه، سه کشور هلند، نروژ و پرتغال، بهترین نمرات را کسب کرده‌اند؛ بدین معنا که حوزه سیاست آنها برنامه‌محور است و دولت به نفع گروه‌های همسود خود، در تخصیص منابع دخالت نمی‌کند و برای حامیان خود، رانت اختصاص نمی‌دهد و از این روی، بازی‌های پنهان گروه‌های همسود در این کشورها، در کمترین سطح است. در مقابل، نمره پایین کشورهایی مانند برونودی، ونزوئلا و آذربایجان، دال بر این است که سطح بالایی از بازی‌های پنهان بین گروه‌های همسود و حکمرانان این کشورها در جریان است. ایران از حداکثر نمره ۱۰۰ در شاخص تودرتویی، نمره ۳۲,۵۷ را کسب کرده است و بالاتر از عراق و پایین‌تر از اکوادور قرار دارد.



## نقشه ۱. شاخص تودرتویی کشورهای جهان ۲۰۲۲

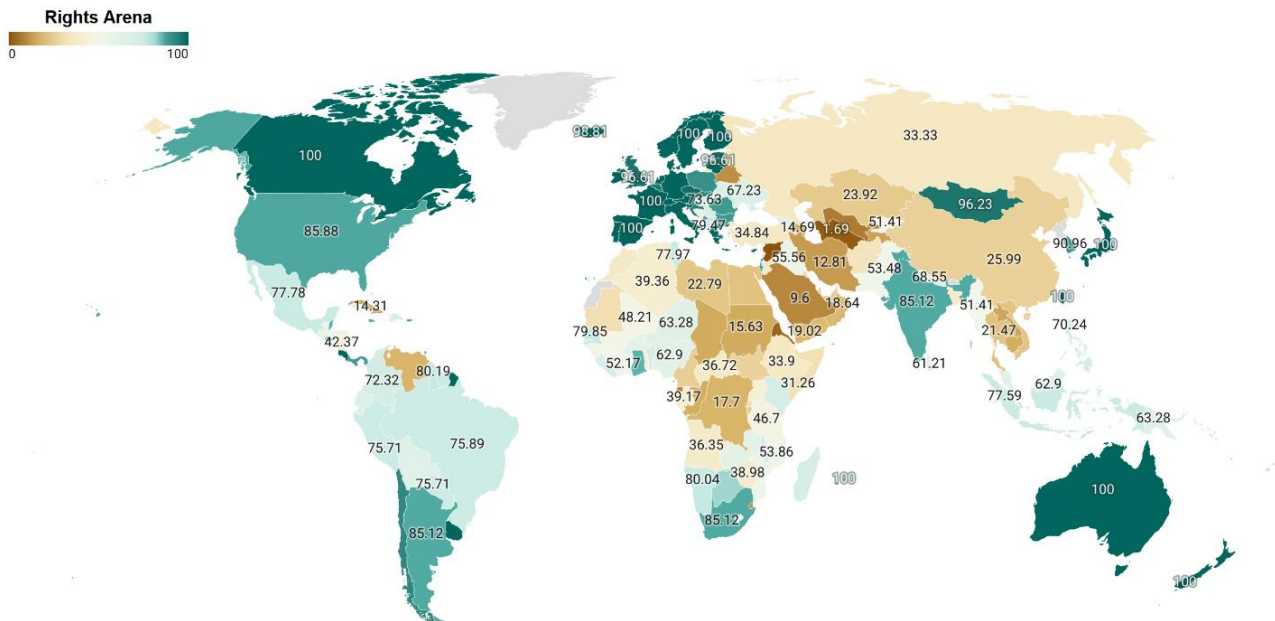


## ۲-۲. شاخص عرصه حقوقی

شاخص عرصه حقوقی نشان می‌دهد که سازمان‌های مختلف جامعه مدنی در مهار فرادستان قدرت، شناسایی بازی‌های پنهان آنها با گروه‌های همسودشان و تبدیل انتخاب‌های بهینه فرادستان قدرت - گروه همسود به انتخاب بهینه فرادستان قدرت - شهروندان، کامیاب بوده‌اند. در نقشه ۲ که وضعیت شاخص عرصه حقوقی کشورهای جهان را به تصویر می‌کشد، نقاط سبزرنگ، نشانگر کشورهایی است که در آنها تعامل جامعه مدنی و فرادستان قدرت در دالان باریک، به سمت تبعیض کمتر و مهار بیشتر زورگویی سازمان‌های فرادست، حرکت کرده است اما نقاط قهوه‌ای، حالت عکس را نشان می‌دهند؛ یعنی تعامل جامعه مدنی و فرادستان قدرت، به خاطر ضعف نهادهای مدنی، زور بیشتر فرادستان قدرت، دخالت بازیگران خارجی در تعامل این دو گروه و عواملی از این دست، به سمت تبعیض و زورگویی بیشتر، رفته است. در این زمینه نیز کشورهای امریکای شمالی و اروپای شمالی، نسبت به بقیه کشورهای جهان، وضعیت بهتری دارند اما وضعیت در بیشتر کشورهای افریقایی، آسیایی، عکس آن کشورهاست. اجماع درباره دموکراسی و بازار به مثابه یک هدف آرمانی، مهمترین زیرشاخص از شاخص عرصه حقوقی است که درجه انطباق بین ترجیحات و خواسته‌های شهروندان و حکمرانان یا فرادستان قدرت را نشان می‌دهد و هرچه این اجماع بیشتر باشد آنگاه مسیر توسعه به سمت دسترسی بازتر به حقوق مالکیت، هموارتر خواهد بود. توگو، سری‌لانکا و ویتنام از جمله کشورهایی متوسط در این زمینه هستند؛ اما یمن، اریتره و سوریه، ضعیف‌ترین اجماع را دارند. نتیجه چنین وضعی، تضاد گفتمانی است که اغلب به نوسان در راهبردهای کلان

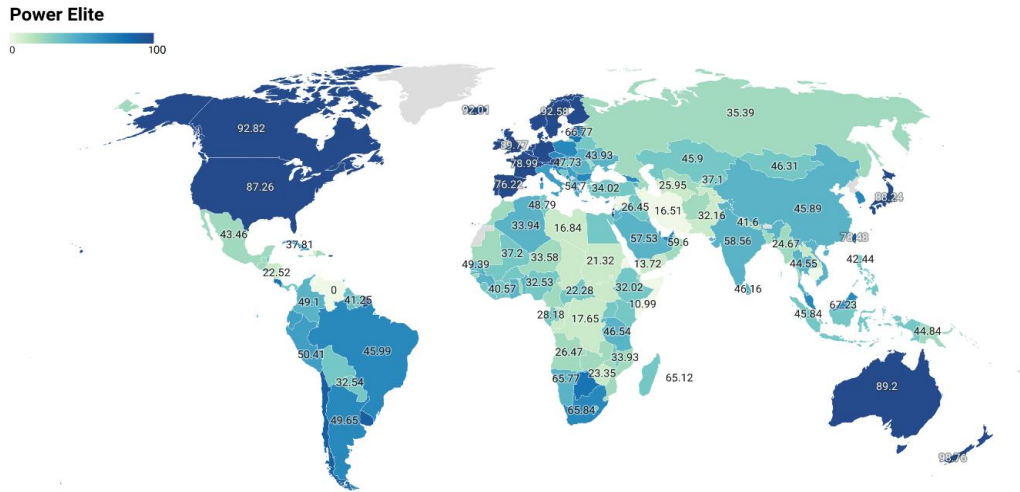
توسعه، نارضایتی اجتماعی و بی‌ثباتی سیاسی می‌انجامد. ایران در زمینه شاخص عرصه حقوقی، نمره ۱۲,۸۱ از ۱۰۰ را کسب کرده است.

### نقشه ۲. شاخص عرصه حقوقی کشورهای جهان ۲۰۲۲



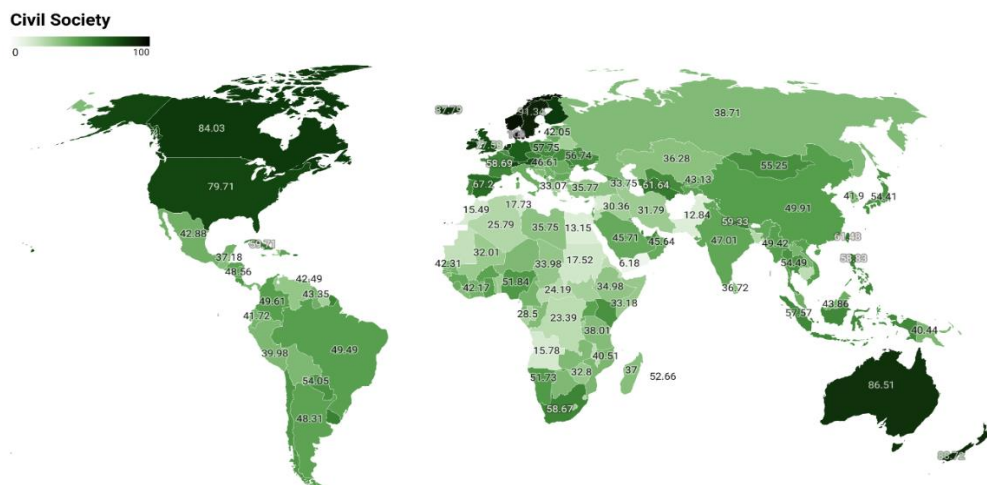
نقشه ۳ شاخص مراجع قدرت کشورهای جهان را برای سال ۲۰۲۲ نشان می‌دهد. کشورهایی که با رنگ آبی پررنگ مشخص شده‌اند، دارای مراجع قدرت (نهش) توسعه‌ساز و توسعه‌گرا و کشورهایی که با رنگ آبی کم‌رنگ، مشخص شده‌اند، دارای مراجع قدرت توسعه‌سوزند. تنظیم مقررات تعارض منافع، از مهمترین زیرشاخص‌های این شاخص است که در این زمینه، کنیا، نیوزیلند و سنگاپور، بهترین نمره و ونزوئلا و سورینام، بدترین نمره را دارند. ایران در این زمینه، نمره ضعیفی را کسب کرده است و نمره ضعیف به معنای بستر مساعد فساد و بازی‌های پنهان با گروه‌های همسود است. استقلال قضایی نیز زیرشاخص مهم دیگری است که امکان تبعیض میان شهروندان را از جانب مراجع قدرت، بازتاب می‌دهد. در این زمینه نیز فنلاند، نیوزیلند و هلند در زمره مستقل‌ترین و نیکاراگوئه، بولیوی و ونزوئلا در زمره وابسته‌ترین موارد در زمینه قضایی هستند. از نظر زیرشاخص دخالت نظامیان در حاکمیت قانون و سیاست نیز همانند استقلال قضایی، وضعیت نمرات کشورها همسان رنگ‌بندی آنها از نظر شاخص مراجع قدرت است؛ فنلاند، نیوزیلند و هلند در بالای فهرست و عراق، سودان و هائیتی در پایین فهرست قرار گرفته‌اند.

### نقشه ۳. شاخص مراجع قدرت کشورهای جهان سال ۲۰۲۲



نقشه ۴ شاخص جامعه مدنی کشورهای جهان را برای سال ۲۰۲۲ نشان می‌دهد. نقاط سبز پررنگ برای کشورهایی با جامعه مدنی نیرومند و اثرگذار و نقاط سبز کم‌رنگ برای کشورهایی با جامعه مدنی ضعیف است که برای مقیدساختن مراجع قدرت به حاکمیت قانون، اقدامات ضدفساد، قوه قضائیه مستقل و انباشت مستمر سرمایه اجتماعی و سرمایه نمادین، انسجام و قدرت لازم را ندارند. در واقع، کشورهای دارای جامعه مدنی ضعیف‌تر (در مقایسه با مراجع قدرت)، قدرت کافی برای کشاندن مراجع قدرت به درون دالان باریک منتهی به مسیر آزادی و گشایش دسترسی به حقوق مالکیت را ندارند. حل مناقشات از طریق خشونت و زور، از مهمترین زیرشاخص‌های این شاخص است که میزان تکثیر راهبردهای زورمدارانه در عوض رویکردهای روادارانه در میان جمعیت را نشان می‌دهد. از این منظر، کشورهایی مانند سوئد، هنگ کنگ و ژاپن در زمره بهترین و بولیوی، ونزوئلا و کامبوج در زمره بدترین کشورها قرار دارند.

### نقشه ۴. شاخص جامعه مدنی کشورهای جهان سال ۲۰۲۲



## ۲-۲. شاخص کنش-واکنش کنشگران

شاخص کنش-واکنش کنشگران بدین معناست که هر کدام از چهار گروه جامعه مدنی، مراجع منابع یا کنش، مراجع دانش و مراجع اطلاعات یا پراکنش، در رابطه متقابل و کنش-واکنشی با مراجع قدرت یا نهش، چقدر توانسته‌اند بر کژکارکردی‌های نهادی، غلبه کنند، وابستگی به مسیر نهادهای ناکارا و تبعیض‌آمیز را بشکنند و مسیری به سمت رفع تبعیض و مهار زور را بگشایند. در این تعامل، جامعه مدنی در تعریف، تضمین و اجرای بی‌طرفانه و بدون تبعیض حقوق، مراجع کنش در دریافت اندازه کافی و کارا از کالاهای عمومی مقتضای ساختار اقتصادی و فضای مساعد کسب‌وکار، مراجع دانش در تعریف کارآمد حقوق مالکیت فکری، بسترسازی پیوند دانشگاه-صنعت و مراجع پراکنش در امکان فعالیت آزاد و بدون تهدید و سانسور، در کنش-واکنش با مراجع نهش هستند. برای محاسبه میزان کامیابی این چهار گروه، شاخص تقابل کنشگران به صورت تغییرات زیرشاخص‌های تشکیل‌دهنده آن در طی دوره ۲۰۱۳-۲۰۲۳ (یک دهه) مقایسه شده است.

در زمینه کنش-واکنش جامعه مدنی و مراجع نهش، کشورهایمانند ماداگاسکار، ارمنستان و موریتانی در زمره ۱۰ کشور با بالاترین نسبت شاخص تقابل جامعه مدنی-مراجع نهش و کشورهایمانند مجارستان، آذربایجان و مصر در زمره ۱۰ کشور با بدترین نسبت شاخص تقابل جامعه مدنی-مراجع نهش برای دوره ۲۰۱۳-۲۰۲۳ هستند. در این زمینه، ایران در رتبه ۱۴۴ قرار گرفته است. برای نمونه، نسبت زیرشاخص حق تجمع و سازماندهی برای ماداگاسکار در دوره ۲۰۱۳-۲۰۲۳ برابر با ۱,۱۴۲ و حقوق و مشارکت سیاسی این کشور برای همین دوره، برابر با ۳,۹۹ است. اما نسبت زیرشاخص حقوق و مشارکت سیاسی در ایران در طی همین دوره، تقریباً برابر با صفر شده است.

اما در زمینه شاخص کنش-واکنش مراجع کنش و مراجع نهش، در حالی که نسبت زیرشاخص عملکرد لجستیک برای دوره ۲۰۱۳-۲۰۲۳ ایران، بهبود نشان می‌دهد و برابر با ۱,۳۴ است در زمینه شاخص‌هایی مانند تنظیم مقررات مالکیت و مبادله مال، این نسبت برابر با ۰,۶۶ و برای مالیات و بوروکراسی برابر با ۰,۹۱۶ است که در مجموع، بدبود نسبی این شاخص را به دنبال داشته است. در مجموع، در زمینه شاخص کنش-واکنش مراجع کنش و مراجع نهش، ایران در جایگاه ۱۱۶۰م جهان قرار گرفته است.

اما در زمینه کنش-واکنش مراجع دانش و مراجع نهش در دوره ۲۰۱۳-۲۰۲۳، ایران در زمینه حفاظت از حقوق مالکیت فکری، نسبت ۰,۹۲۴ را دارد که نشانگر بدبود نسبی این زیرشاخص است؛ از نظر شاخص کنش-واکنش مراجع دانش و نهش نیز ایران در جایگاه ۱۱۶۴م قرار دارد. آیا این عملکرد، دور از انتظار است؟ به عنوان یک نمونه می‌توان به گزارش عملکرد انجمن سرمایه‌گذاری جسورانه (VC) توجه کرد که نوسان شدید ارزش دلار، عدم تعیین تکلیف مصوبه جهش تولید دانش‌بنیان مجلس و قطعی‌های طولانی اینترنت را علت موج گسترده از ناامیدی در میان متخصصان و کارآفرینان کشور، مطرح کرده است. مهاجرت گروهی نخبگان، به خصوص در صنایع وابسته به IT نیز این واقعیت نامطلوب را منعکس می‌سازد.

در زمینه کنش-واکنش مراجع پراکنش و مراجع نهش در دوره ۲۰۱۳-۲۰۲۳ نیز نسبت حق اطلاعات برای همین دوره، برابر با ۰,۵۶۶ شده است که کاهش شفافیت را برجسته می‌سازد. انتشار عمومی داده‌ها و قوانین عمومی نیز دارای نسبت ۰,۸۰۰ است. البته در زمینه آزادی مطبوعات از خشونت فیزیکی، بهبود مشاهده می‌شود؛ ۰,۱۰۶ در زمینه سانسور رسانه‌ها توسط دولت نیز نسبت ۰,۸۹۳ به چشم می‌خورد. در مجموع، کل شاخص برای ایران برابر با ۰,۸۵۲ است که فشار بر رسانه‌ها و جریان اطلاعات و شفافیت را منعکس می‌کند. در مقایسه با دیگر کشورها، ایران در جایگاه ۱۳۰ قرار دارد در حالی که کشوری مانند ازبکستان با نسبت ۷,۲۱۲ در صدر جدول، قرار گرفته است.

## ۲. فرصت‌سازی تطبیقی

نقشه ۵ فرصت‌سازی تطبیقی سه کشور ایران، ترکیه و عربستان را برای سال ۱۴۰۱ نشان می‌دهد. فرصت‌سازی و دسترسی برابر و بدون تبعیض به فرصت‌ها، هدف اصلی توسعه است؛ یعنی در نهایت هر فردی می‌تواند بدون اعمال زور از جانب دیگران و بدون محروم‌شدن، توانایی‌های خود را به کار برد و از فرصت تبدیل داشته‌های خود به سرمایه و ثروت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، بهره‌گیرد. در قسمت فرصت‌سازی مقطعی از شاخص سیمرغ توسعه، فرصت‌سازی از بعد داخلی و خارجی، بررسی شد اما مقایسه فرصت‌سازی بین‌المللی و توان یک کشور در کسب فرصت‌های موجود در رقابت با کشورهای همجوار خود می‌تواند این فرصت‌سازی و عملکرد توسعه را بهتر نمایان سازد.

نقشه ۵. فرصت‌سازی تطبیقی ایران، ترکیه و عربستان، سال ۱۴۰۱



انتظار می‌رفت که در پروژه جاده ابریشم نو چین، ایران جایگاهی مهم داشته باشد که به خاطر مزیت جغرافیایی آن در اتصال شرق به غرب بود اما در عمل، ترکیه با همراهی آذربایجان، قزاقستان و گرجستان، نقشه راهی را ایجاد کرد که تا ۵ سال آینده، توسعه حمل‌ونقل بین‌المللی از کاسپین تا چین (کریدور میانی) را پوشش خواهد داد. نزدیکی چین به عربستان نیز رخداد دیگری بود که این محرومیت از فرصت‌های بین‌المللی را تشدید کرد و معلول برخورد تبعیض‌آمیز و زورمدارانه با جمعیت داخل و نادیده‌گرفتن نیازهای توسعه و سیاست خارجی نادرست و شرق‌پرستانه (روسیه و چین) بود که قدرت ملی را کاهش داد. در واقع، وضعیت کنونی کشور حالتی از احساس بی‌دولتی را در میان شهروندان ایجاد کرده است! دولت مشغول دغدغه‌های گروه خودی است و سیاست‌های اصلی و راهبردی کشور برای تامین منافع این گروه، تنظیم می‌شود اما خواسته‌ها و ترجیحات شهروندان، نادیده‌گرفت می‌شود. در گذشته تاریخی نیز چنین احساسی در میان

ایرانیان وجود داشته است اما زندگی در مقیاس کوچک و جوامع کوچک که در آنها امکان تعاون و همیاری و خودیاری وجود داشت، این شکاف را تا حدی پر می‌کرد اما امروزه مقیاس بزرگ جامعه و افزایش پیچیدگی آن، امکان تشکیل آن نهادهایی تاریخی یا کارایی آنها را نمی‌دهد و از این روی، احساس کمبود شدیدتر شده است.

شاخص فرصت‌سازی تطبیقی بر اساس این دغدغه‌ها طراحی شده است و هدف آن، بازخوردی برای سیاست‌های توسعه‌سوز و فرصت‌سوز است که در آینده، قدرت ملی را می‌کاهد و فرار سرمایه انسانی و مالی از کشور را می‌افزاید. نقشه ۵ زیر وضعیت کشورهای مهم منطقه را از نظر شاخص فرصت‌سازی تطبیقی، نشان می‌دهد. در این نقشه، قطر به عنوان مورد ویژه مطرح شده است چون با وجود مقیاس کوچک، جام جهانی ۲۰۲۲ را با تمام فرصت‌های بین‌المللی آن به خوبی مدیریت کرد و در رقابت گازی با ایران نیز همواره موقعیت‌های بهتری را برای توسعه درآمد گازی خود به وجود آورده است. ترکیه در حال ترسیم چشم‌انداز هاب گازی است که ایران باید در محور آن می‌بود و عربستان نیز در حال گذار از اقتصاد نفتی است و به سمت سرمایه‌گذاری‌های مدرن و بلندپروازانه متکی بر فناوری روی آورده است در حالی که در ایران، دولت اینترنت را به شدت مختل و کُند می‌کند و موضع درک‌شده از حکمرانی، ضدیت آن با فناوری‌های نوین است! نتیجه چنین شرایطی، توزیع زیر از فرصت‌های بین‌المللی در میان کشورهای مهم منطقه در سه‌ماهه اخیر بوده است. البته، فرصت‌سازی کشورهای منطقه فقط در یک حوزه خاص نیست؛ برای نمونه، در ۲۳ اسفند سال ۱۴۰۱، رئیس سری A فوتبال ایتالیا اعلام کرد که فصل آتی سوپرکاپ ایتالیا در قالب یک قرارداد ۲۳ میلیون یورویی، در کشور عربستان سعودی برگزار خواهد شد. توافق اپل با عربستان برای قطب توزیع محصولاتش در خاورمیانه در منطقه اقتصادی ویژه ریاض نیز نمونه دیگری از فرصت‌سازی این کشور است.

## ۴. چگونگی توسعه

عربستان سعودی از چند جهت گزینه مناسبی برای مقایسه با ایران است؛ از جمله این که هر دو کشور مدت زمان مدیدی را به درآمد حاصل از فروش نفت متکی بوده‌اند؛ هر دو کشور تقریباً در یک برهه به سمت اقتصاد بدون نفت، گام برداشته‌اند؛ هر دو کشور خود را قطب راهبردی منطقه خاورمیانه می‌دانند؛ و هر دو کشور دارای ساختار حقوق اساسی مبتنی بر یک دین رسمی هستند.

چشم‌انداز راهبردی هر دو کشور برای افق ۲۰۲۵ (۱۴۰۴)، انطباق زمانی دارد اما با وجود چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان، ایران سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ را نیز به درستی و به طور کامل اجرا نکرده است. جدول ۱ مقایسه‌ای از چشم‌اندازهای جدید ایران و عربستان در هزاره سوم میلادی را نشان می‌دهد. در اسناد چشم‌انداز ۲۰۲۵ دو کشور، ایران ۲۰۲۵، کشوری توسعه‌یافته توصیف شده است که اقتصادی دانش‌بنیان دارد و از تعامل سازنده با جهان، برخوردار است؛ فرصت‌های برابر، امنیت غذایی، توزیع مناسب درآمد، دوری از فساد، برخورداری از محیط زیست مطلوب، نبود تبعیض و جایگاه اول منطقه از نظر اقتصادی، علمی، فناوری از دیگر مشخصه‌های ایران ترسیمی برای افق ۲۰۲۵ است. در سوی دیگر، عربستان ۲۰۲۵ دارای اقتصادی متنوع‌تر، رفاه شهروندان، آموزش باکیفیت، مهارت لازم برای رفاه و با موتور بخش خصوصی، توصیف شده است. در مقام مقایسه، سند چشم‌انداز ۱۴۰۴

### بازی تودرتوی

اگرچه عربستان سعودی دارای حکومت پادشاهی است و انتخابات در آن برگزار نمی‌شود اما در این کشور، بازی پنهان متضاد با منافع ملی به چشم نمی‌خورد و گروه حاکم، حتی در عین مشارکت در بازی‌های حداکثرکننده منافع خود، در آن بازی‌ها نیز منافع ملی عربستان را لحاظ می‌کنند!

ایران کنار گذاشته شد و در عمل، تعامل سازنده با جهان به تنش مستمر با جهان، تبدیل گردید. علاوه بر این، عربستان در چشم‌انداز ۲۰۳۰ خود، فایده‌مندی از موقعیت راهبردی خود در خاورمیانه، هاب متصل‌کننده سه قاره آفریقا، آسیا و اروپا و جامعه پرتراوت و چالاک را ترسیم کرده است. برنامه عربستان این است که چشم‌انداز مزبور را با تبدیل شدن به هاب لجستیک جهانی، بهبود وضعیت رقابت‌پذیری خود، افزایش سهم بخش خصوصی به ۶۵ درصد، بهبود رتبه دولت الکترونیکی، بهبود شاخص سرمایه اجتماعی و افزایش مشارکت زنان (به ۳۰ درصد) جامه عمل بپوشاند.

اگر دو جنبه اقتصاد دانش‌بنیان و تعامل سازنده با جهان به عنوان سیاست راهبردی، در نظر گرفته شود آنگاه مقایسه شاخص‌های بین‌المللی ایران و عربستان در این دو زمینه نشان می‌دهد که با وجود عدم تاکید صریح در چشم‌انداز عربستان برای این موارد، عملکرد ایران تنها به اندازه ۵۲ درصد از عملکرد عربستان بوده است. در رابطه با شاخص‌های مربوط به اقتصاد دانش‌بنیان در شاخص رقابت‌پذیری جهانی مجمع جهانی اقتصاد، به خصوص دو زیرشاخص صادرات کالاهای فناوری ارتباطات و اطلاعات به مثابه درصدی از کل صادرات و میانگین کیفیت موسسات آموزش عالی، انطباق بیرونی



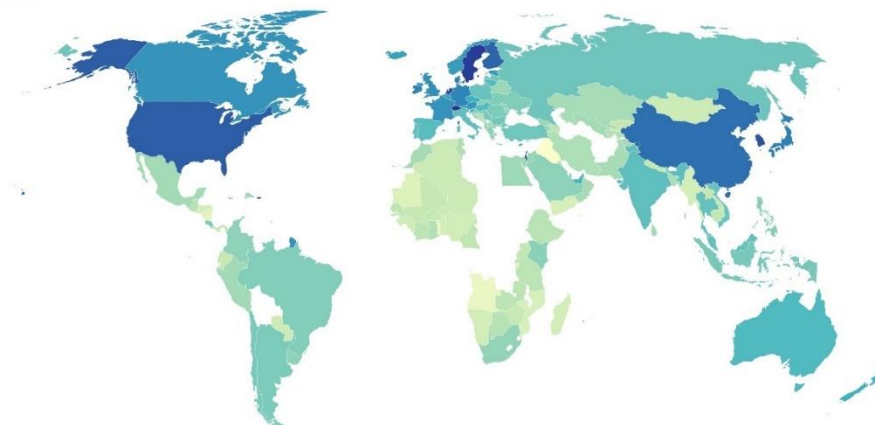
مسیر برای ایران به اندازه ۱۷,۷۲ و ۱۷,۲۵ درصد عربستان است. اگرچه، در شاخص‌های خروجی، ایران وضعیت بهتری دارد و صادرات کالاهای های تک آن به اندازه ۷۷,۹۳ درصد عربستان است. اما در زمینه تعامل سازنده با جهان، ضعف مشهودی به چشم می‌خورد و عملکرد ایران، ۶۳ درصد عربستان بوده است. نزدیکی چین به عربستان در طی روزهای آگازین سال ۲۰۲۳ نشان می‌دهد که وضعیت این شاخص برای ایران، بدتر خواهد شد.

انطباقی بیرونی مسیر	شاخص عملیاتی	ایران	عربستان	
حرکت به سمت اقتصاد دانش‌بنیان	صادرات کالاهای فاوا (درصدی از کل صادرات کالا)	۰.۰۱۶۳	۰.۰۹۲۲	۰.۱۷۷۲
	پوشش شبکه اینترنت	۰.۸۹۵۰	۰.۹۷۴۷	۰.۹۱۸۲
	میانگین کیفیت موسسات آموزش عالی	۰.۰۴۵۵	۰.۲۶۳۵	۰.۱۷۲۵
	ظرفیت جذب افراد مستعد	۰.۲۴۱۲	۰.۶۶۳۰	۰.۳۶۳۷
	مجموعه مهارت‌های دانش‌آموختگان دانشگاهی	۰.۲۴۴۲	۰.۷۴۷۲	۰.۳۲۶۹
	دسترسی به آموزش باکیفیت	۰.۵۱۳۳	۰.۷۹۷۵	۰.۶۴۳۶
شاخص تعامل سازنده با جهان	صادرات کالاهای های تک	۰.۴۷۴۱	۰.۶۰۸۳	۰.۷۷۹۳
	شاخص عملکرد لجستیک	۵۷.۰۰۰۰	۶۰.۲۰۰۰	۰.۹۴۶۸
	رتبه اعتباری کشور	۰.۳۸۲۲	۰.۷۵۰۰	۰.۵۰۹۷
	هزینه ریسک کشور	۰.۴۱۸۷	۰.۹۳۱۱	۰.۴۴۹۷

نقشه ۶، شاخص دانش‌بنیانی بر اساس شاخص نوآوری و احتساب درون‌دادها و برون‌دادهای نوآوری جهانی ۲۰۲۳ را نشان می‌دهد. آبی پررنگ در این نقشه، نشانگر کشورهای پیشرو در زمینه دانش‌بنیانی و آبی کم‌رنگ، عکس آن را نشان می‌دهد. طبق نقشه، ایران در زمره کشورهای متوسط قرار دارد و شکاف‌های زیادی را باید پر کند. کشورهای آبی پررنگ امریکای شمالی در زمینه جذب مغزهای دیگر کشورها نیز در بالای جدول قرار دارند و انباشته سرمایه انسانی کشورهایی مانند ایران را جذب می‌کنند.

### نقشه ۶. شاخص دانش‌بنیانی کشورهای جهان ۲۰۲۲

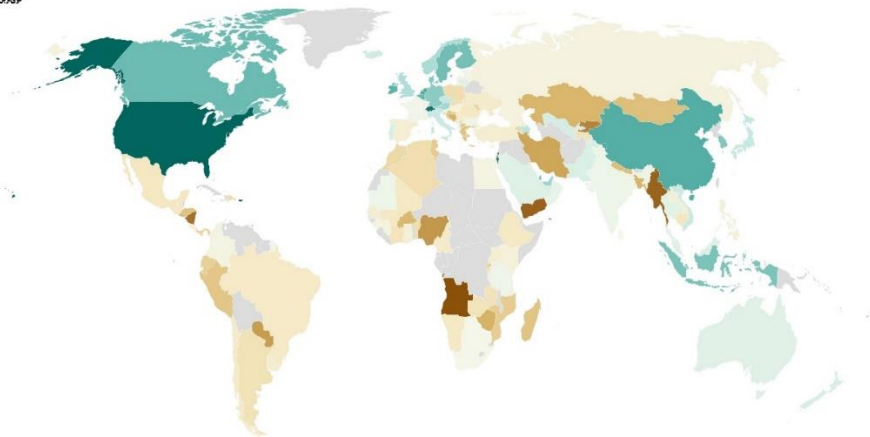
Knowledge-Based Economy



اما نقشه ۷، تفاوت میان کشورهای پیشرو در زمینه دانش‌بنیانی با دیگر کشورها را به خوبی نشان می‌دهد؛ پیوند بین دانشگاه و صنعت. کشورهایی که با طیف رنگ کرم و قهوه‌ای مشخص شده‌اند، پیوندهای بسیار ضعیفی دارند و ایران یکی از کشورهایی است که این مشخصه را دارد.

#### نقشه ۷- پیوند بین دانشگاه و صنعت در کشورهای جهان ۲۰۲۳

پیوند دانشگاه و صنعت  
معمولی  
ضعیف



مجموع نقشه‌ها و شاخص‌های محاسبه‌شده نشان می‌دهد که ادامه روند برای ایران، توسعه‌ساز نیست و به تحولات بنیادینی نیاز است.

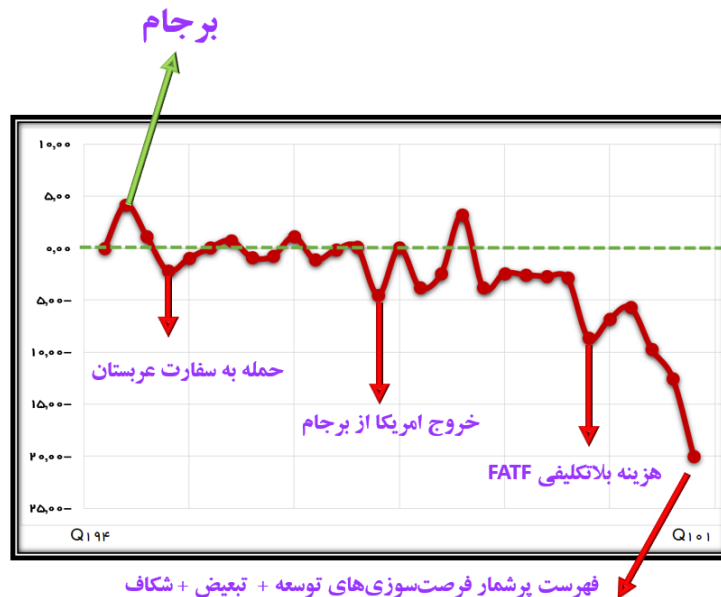
#### ۴-۱. آینده توسعه ایران

مطالعات بنیادی تاریخی درباره توسعه ایران در گروه سیمرخ توسعه اندیشگاه طرح هزاره پاسارگاد نشان داد که در ابتدای دهه ۱۳۹۰ خورشیدی، فساد مهارنشده، دخالت سازمان‌های نظامی در سیاست و اقتصاد، محدودیت شدید دسترسی به فرصت‌ها و بازارهای بین‌المللی و ضعف شدید در حاکمیت قانون و تبعیض گسترده از نظر دسترسی به حقوق مالکیت و تضمین آن برای گروه‌های مختلف، مهمترین قفل‌های توسعه ایران هستند.<sup>۱</sup> در پایان این دهه نیز این قفل‌ها به قوت خود باقی ماندند و حتی بر استحکام آنها نیز افزوده شد. در حالی که انتظار می‌رفت توافق برجام، قفل دسترسی به فرصت‌ها و بازارهای بین‌المللی را بشکنند، مجموعه‌ای از رخدادهای داخلی و بین‌المللی باعث شد تا این معضل، وخامت بیشتری پیدا کند. نمودار ۲ مهمترین برهه‌های سیمرخ توسعه در دهه

<sup>۱</sup> - برای مطالعه نتایج تفصیلی این مطالعه ر.ک. مجیدزاده، رضا و همکاران (۱۳۹۴). «داستان سی‌مرغ؛ نقش تاریخی ایرانیان در فرابازی توسعه»، انتشارات پرکاس.

۱۳۹۰ را به تصویر می کشد. محور عمودی، نشانگر مقدار شاخص سیمرخ توسعه است و محور افقی، زمان را نشان می دهد.

نمودار ۲. مهمترین برهه های سیمرخ توسعه در دهه ۱۳۹۰



مقادیر شاخص سیمرخ توسعه برای هر مقطع (سه ماهه) در فاصله ۱۰۰- تا ۱۰۰+ محاسبه می شود و نشانگر تقویت (مقادیر مثبت) یا تضعیف (مقادیر منفی) پتانسیل توسعه در مقطع است. پیکان سبز رنگ برجام، نشان می دهد که حصول به این توافق در تابستان ۱۳۹۴، قوه سیمرخ توسعه را از لحاظ امکان دسترسی به فرصت ها و بازارهای بین المللی، افزایش داد اما پیکان های سرخ در ادامه منحنی، نشانگر اثر منفی رخدادهایی مانند حمله به سفارت عربستان بر قوه سیمرخ توسعه بود که کنش-واکنش های بعدی آن، این فرصت ها را به شدت سوزاند. با این وجود، تضعیف قوه توسعه در این مقاطع، فقط از ناحیه قطع دسترسی به بازارها و فرصت های بین المللی نیست و فساد در سطح داخلی، تبعیض ها و عدم مهار زور نیز در این فرصت سوزی موثر بوده اند. به طوری که مجموع این تحولات، خود را در مقدار شاخص سیمرخ توسعه در سه ماهه نخست سال ۱۴۰۱ نشان داد که رقم ۲۰- درصد بود.

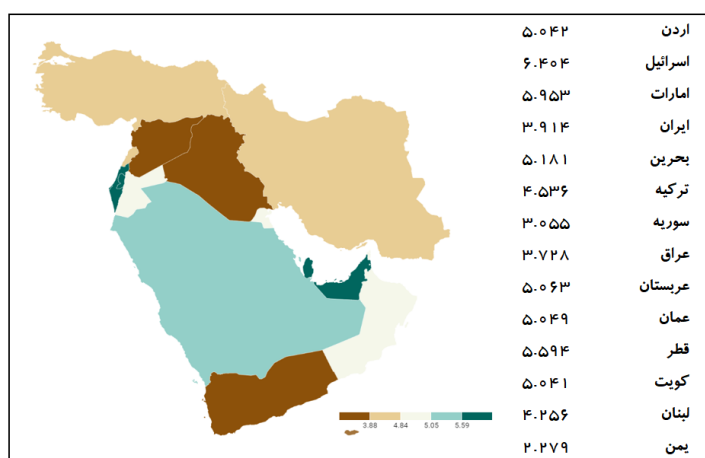
مقایسه شاخص سیمرخ توسعه ایران با کشورهای همجوار و کشورهای منطقه خاورمیانه، محاسبات مبتنی بر فرمول بازیگر محور سیمرخ را تایید می کند. نمودار ۳، بر اساس نماگرهای شاخص لگاتوم در سال ۲۰۲۱ و با رویکرد اثر

بازیگران (نمودار ۱) ترسیم شده است. و شاخص سیمرخ توسعه را برای کشورهای همجوار ایران، به تصویر می کشد. طبق نمودار، امارات بهترین عملکرد و افغانستان بدترین عملکرد را دارند و ایران در رتبه شانزدهم، قرار گرفته است.

نمودار ۳، شاخص سیمرخ توسعه در کشورهای همجوار ایران



می توان وضعیت سیمرخ توسعه ایران را با کشورهای خاورمیانه نیز مقایسه کرد. در منطقه خاورمیانه، اسرائیل بالاترین نمره را دارد و پایین ترین نمره برای یمن است. در نقشه روبه رو، طیف رنگ قهوه ای نشانگر عملکرد بد



توسعه یا سی مرغ و طیف رنگ سبز و آبی به معنای عملکرد بهتر یا سیمرخ است. می توان با نگاهی به برخی از نماگرها، این عملکرد را به صورت بهتری درک کرد.

یک نماگر مهم (که در ریز فهرست نماگرهای شاخص لگاتوم گزارش می شوند) عبارت است از اجماع درباره دمکراسی و

اقتصاد بازار به مثابه هدف. از نظر اجماع درباره دمکراسی و اقتصاد بازار به مثابه هدف که نشانگر میزان تضاد

گفتمانی در سطح حکمرانی است، ایران با نمره ۰,۱۱۱ (از ۱۰) وضعیت بسیار نامناسبی دارد. در نقطه مقابل، قطر، امارات و اردن، بالاترین نمره را از این نظر دارند. اگرچه نمره بهتر در زمینه نماگر مزبور، نشانگر برقراری دموکراسی یا اقتصاد بازار نیست بلکه تضاد کمتر در سطح نخبگان و توافق عمومی درباره اهداف کلی سیستم اقتصادی-سیاسی را منعکس می‌سازد. بنابراین، هرچه نمره این نماگر بدتر باشد بدین معناست که قطبیدگی بین نخبگان، بی‌ثباتی و نوسان در راهبردهای کلان را به دنبال دارد. می‌توان به عنوان یکی از ابعاد این تضاد گفتمانی، به نوسان جدی ناشی از مواضع متفاوت دولت‌ها در ایران، اشاره کرد در حالی که در کشورهای توسعه‌یافته‌ای مانند ایالات متحده یا نروژ، چنین نوسانی موضوعیت ندارد.

آنچه در کنار تحلیل SWOT اهمیت دارد این است که علل پایداری ضعف‌ها و بلندتر شدن فهرست تهدیدها در کنار کاهش شمار قوت‌ها و از دست رفتن فرصت‌ها و بازیگران موثر در این علل، شناسایی و نقش آنها مشخص شود. این تحلیل را SWOTDS می‌نامیم؛ حرف D به مفهوم وابستگی به مسیر گذشته و حرف S به ذینفعان و دغدغه‌داران موضوع وابسته به مسیر، اشاره دارد.

از این منظر، نخستین پرسش این است که کدام ضعف مانع کسب کدام فرصت می‌شود؟ به ترتیب اهمیت، تضاد گفتمانی و سیاست کلاینت‌محور موجب شده است تا امکان بهره‌مندی از فرصت نخبگان علمی، فرهنگی ایرانی در سطح بین‌المللی و ایرانیان موفق در مدیریت کسب و کارهای بین‌المللی، از توسعه ایران سلب شود.

چه بازیگرانی تضاد گفتمانی را تشدید می‌کنند. بازیگران تشدیدکننده تضاد گفتمانی، رویکرد مرزگذار و تبعیض آمیز دارند و از نهادینگی شفافیت و رقابت در بازار سیاسی، زیان می‌بینند. ضعف اعمال محدودیت گسترده برای اینترنت و شبکه‌های اجتماعی نیز موجب شده است تا فرصت‌گذار به اقتصاد دیجیتال که در بحبوحه بحران کرونا، ایجاد شده بود تا حد زیادی از دست برود. محدودیت‌های جاری برای اینترنت و حتی قطع دسترسی به پهنای باند بین‌المللی در برخی از مقاطع، از جمله جنبش حقوق‌خواهی که از تابستان ۱۴۰۱ شروع شد نیز در این فرصت‌سوزی، موثر بوده است. افزون بر این، ضعف در استقلال اقتصادی و سیاسی و وابستگی عیان به رویکردهای راهبردی روسیه و چین در روابط بین‌المللی، موجب شده است تا بسیاری از فرصت‌های بین‌المللی از جمله توسعه میادین انرژی یا فرصت‌های مبادلاتی در نتیجه تحقق مذاکرات احیای برجام، سوخت شوند.

ضعف مهم دیگر، درک معادلات بین‌المللی و پویایی بازارهای اقتصادی بین‌المللی است که فرصت اتخاذ تصمیمات مناسب در بزنگاه‌های تاریخی را سلب می‌کند؛ اصرار بر زمستان سخت اروپا در دور جدید مذاکرات

احیای برجام با تلقی اشتباه از افزایش شدید دسترسی کشورهای اروپایی به منابع گازی باعث شد تا قدرت چانه زنی کشور در این مذاکرات، بیش از حد واقعی، برآورد شود اما افت قیمت گاز در نتیجه تامین بیش از حد گاز مورد نیاز اروپا، نادرستی این برداشت را نشان داد.

اما کدام تهدیدها مانع از تحقق کدام فرصت‌ها شده‌اند؟ کشورهای منطقه مانند ترکیه، عربستان و حتی کشورهای مانند آذربایجان از شکاف‌های ناشی از حکمرانی بد مانند شکاف دولت-ملت، استفاده می‌کنند و با تلاش برای تبدیل این شکاف به شکاف‌های قومیتی و کاهش تعلق به سرزمین، نخبگان علمی، مدیریتی و سرمایه‌گذاری را جذب می‌کنند. تهدید مهم دیگر از ناحیه کشورهای همسایه، تحدید دسترسی جغرافیایی کشور به منابع آبی و پیامدهای مخرب آن برای محیط زیست است؛ سدهای ترکیه بر روی رودهای دجله، فرات، ارس و عدم همکاری افغانستان در زمینه تامین حق آبه رود هیرمند، بحران آبی، بحران ریزگردها و بیابان‌زایی گسترده را به همراه داشته است.

بین ضعف‌ها و قوت‌ها نیز چنین روابطی برقرار است. ضعف نظم اجتماعی متکی به گسست طبقات از دولت، تضاد گفتگویی و سیاست حامی‌پرور، موجب شده است تا قوت بر خورداری از انباشته ارزشمند سرمایه انسانی، در مسیر توسعه ایران، مورد توجه کافی و درست قرار نگیرد. این عدم توجه در سیستم غیرمشارکتی حکمرانی و توسعه خود را نشان می‌دهد. علاوه بر این، فساد مهارگسیخته سیاسی و اقتصادی، مانع از استفاده کارآمد و عادلانه از منابع طبیعی غنی کشور می‌شود. چیرگی نظامیان بر حوزه سیاست و اقتصاد نیز این موانع را تقویت می‌کند و منابع مادی و انسانی را می‌فرساید. بیشتر ضعف‌ها و تهدیدهای پیش‌گفته، نتیجه وابستگی به مسیرهای گذشته هستند که به خاطر فایده‌بران از این وابستگی، شدت پیدا می‌کنند. بنابراین در تحلیل SWOTDS فایده‌بران از این وابستگی به مسیرها موضوع مهمتری هستند چون این وابستگی را افزایش می‌دهند و توسعه را در وضعیت معمای چوب‌برها و کارگزاران کژپیمان، گرفتار می‌کنند.

بنابراین، پرسش‌های بالا باید به صورت دقیق‌تری مطرح شوند: کدام گروه‌ها مانع از اصلاح کدام ضعف‌ها می‌شوند تا به موجب آن، کسب کدام فرصت، میسر شود؟ ائتلاف غالب (شامل مدیران نظامی مسلط بر اقتصاد و سیاست و مقامات حاکمیتی)، مانع از اصلاح ضعف تضاد گفتگویی و سیاست حامی‌پرورند؛ اصلاحی که برای کسب فرصت‌های مربوط به تعامل با جهان، ضرورت دارند. همچنین، حامی‌پروری سیاسی موجب شده است تا حامیان خودی از فرصت عدم شفافیت در سازوکارها و مبادلات بین‌المللی مربوط به دورزدن تحریم‌ها بهره بگیرند

و باندهای مافیایی اقتصادی-تجاری بسازند که احیای برجام و پذیرش لوایح FATF را در تضاد با منافع آنها قرار می‌دهد.

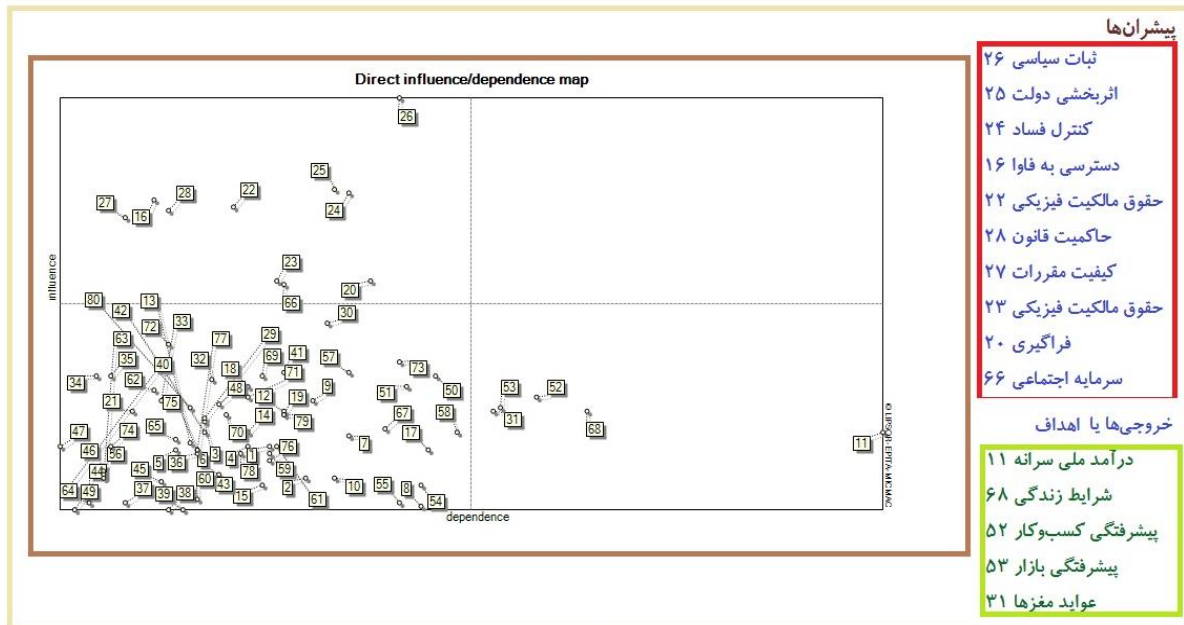
همچنین نظامیان مسلط بر اقتصاد و سیاست مانع از اصلاح ضعف وابستگی سیاسی-اقتصادی به شرق هستند که کسب فرصت‌های مقطعی مانند توسعه روابط انرژی با اروپا یا فرصت‌های دائمی مانند برجام را ناممکن می‌سازد و با وجود فایده‌بری آنها، تولیدکنندگان بخش‌های نیازمند ماشین‌آلات و نهاده و شهروندان طبقات متوسط به پایین را به هزینه‌دهندگان این مسیر تبدیل کرده است. اگرچه اقداماتی مانند تنش‌زدایی با کشورهای منطقه از جمله عربستان، اقدامی مثبت و فرصت‌ساز است اما پایداری چنین اقداماتی به رفع تضاد بین نهادهای رسمی و غیررسمی و احتساب ترجیحات کل شهروندان در سیاست‌های داخلی و خارجی، نیاز دارد که از جمله مهمترین آنها، تعامل سازنده با کل کشورهای جهان و پرهیز از یکجانبه‌گرایی در سیاست خارجی است.

برای شناسایی پیشران‌های توسعه ایران، اثر متقاطع این ۸۰ شاخص بر اساس طیف فازی نبود اثر تا نیرومندترین اثر، تعیین گردید. بر اساس این روش، یک ماتریس ۸۰\*۸۰ از این متغیرها تشکیل و اثر هر سطر روی هر ستون (به استثنای قطر) بر اساس طیف‌بندی زیر نشان داده شد:

- نبود اثر = ۰
- اثر ضعیف = ۱
- اثر متوسط = ۲
- اثر نیرومند = ۳

برای نمونه، در ردیف اول اثر سلامت زیست‌محیطی روی ۷۹ متغیر دیگر، تعیین شد. پس از طراحی ماتریس اثرات متقاطع در نرم‌افزار MICMAC، نقشه اثرگذاری-اثرپذیری مستقیم و غیرمستقیم توسط نرم‌افزار تولید شد. نمودار ۴ نقشه اثرگذاری-اثرپذیری مستقیم ۸۰ متغیر بالا را نشان می‌دهد.

نمودار ۴- نقشه اثرگذاری-اثرپذیری مستقیم ۸۰ متغیر مهم توسعه ایران



نمودار بالا از چهار ربع تشکیل شده است: ربع شمال غربی، ربع جنوب غربی، ربع شمال شرقی و ربع جنوب شرقی. محور افقی، نماینده اثرپذیری و محور عمودی، نماینده اثرگذاری است. بنابراین، هر متغیر درجه‌ای از اثرگذاری و اثرپذیری دارد. حرکت روی محور افقی از مبدا دستگاه به سمت راست، به معنای افزایش اثرپذیری و حرکت روی محور عمودی از مبدا به سمت بالا، به معنای افزایش اثرگذاری است. از این روی، ربع جنوب شرقی، مکان متغیرهایی است که اثرگذاری پایین و اثرپذیری بالا دارند؛ ربع شمال شرقی، مکان متغیرهایی است که اثرگذاری بالا و اثرپذیری بالا دارند؛ ربع جنوب غربی، مکان متغیرهایی است که اثرگذاری پایین و اثرپذیری پایین دارند؛ ربع شمال غربی، مکان متغیرهایی است که اثرگذاری بالا و اثرپذیری پایین دارند.

اگر چیدمان متغیرها در نمودار به صورت حرف L باشد سیستم، پایدار است اما تراکم متغیرها در پیرامون نیمساز دستگاه، به معنای ناپایداری سیستم است. تراکم متغیرها در نمودار ۴، پایداری سیستم را منعکس می‌سازد. افزون بر این، متغیرهای ربع شمال غرب، پیشران سیستم و متغیرهای ربع جنوب شرقی، متغیرهای خروجی یا هدف سیستم را نمایندگی می‌کنند. در نمودار ۴، متغیرهای ثبات سیاسی، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون، کنترل فساد، سرمایه اجتماعی، دسترسی به فاوا و اثربخشی دولت، پیشران توسعه ایران و متغیرهای ورودی هستند. متغیرهای درآمد سرانه، شرایط زندگی، سلامت و شادابی، فرار مغزها و پیشرفتگی بازار و کسب‌وکار، متغیرهای خروجی و هدف



را تشکیل می‌دهند. جدول ۱، فهرست متغیرهای ورودی یا پیشران، خروجی یا هدف، ریسک یا دووجهی و کم‌اثر یا قابل حذف در نمودار ۴ را نشان می‌دهد.

**جدول ۱- فهرست متغیرهای ورودی یا پیشران، خروجی یا هدف، ریسک یا دو وجهی و کم‌اثر یا قابل حذف**

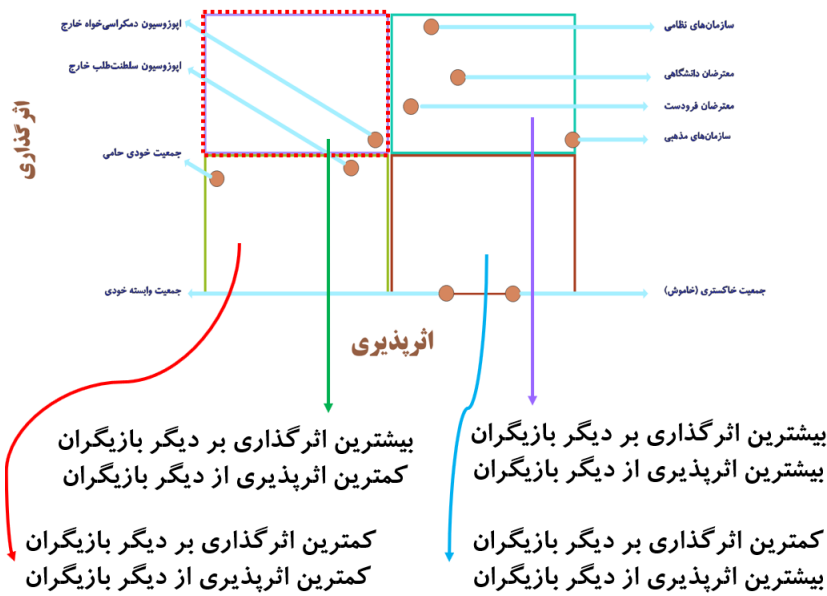
متغیر	فهرست
ورودی یا پیشران	محیط قانونی و سیاسی، ثبات سیاسی، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون، کنترل فساد، سرمایه اجتماعی، اثربخشی دولت، فراگیری، حقوق مالکیت فیزیکی و دسترسی به فاوا.
خروجی یا هدف	درآمد سرانه، عواید مغزها، پیشرفتگی کسب و کار، شرایط زندگی و پیشرفتگی بازار.
ریسک یا دو وجهی	---
کم‌اثر یا قابل حذف	کاربرد فاوا، مهارت، سلامت زیست محیطی، کیفیت هوا، مدیریت تغییرات اقلیمی، مدیریت منابع آب، دسترسی به دانش پایه، دسترسی به آموزش عالی و ....

چون اثر متقاطع فقط به صورت مستقیم نیست و اگر الف روی ب و ب روی پ اثر گذار باشد آنگاه نرم‌افزار اثر الف روی پ را نیز محاسبه و نقشه آثار غیرمستقیم را گزارش می‌کند. با توجه به نقشه آثار مستقیم و غیرمستقیم، اثربخشی دولت، حقوق مالکیت فیزیکی، دسترسی به فاوا، حقوق مالکیت فکری و سرمایه اجتماعی، اثر گذاری مستقیم بالاتری نسبت به اثر گذاری نامستقیم دارند در حالی که برای متغیرهایی مانند کنترل فساد، حاکمیت قانون و استقلال قضائی، عکس این حالت برقرار است. تنها پیشرانی که در هر دو جنبه مستقیم و غیرمستقیم، بالاترین میزان اثر گذاری را دارد و رتبه آن تغییری نکرده است، ثبات سیاسی است. به دیگر سخن، در طراحی مکانیزم‌های توسعه باید روی این متغیر دقت و تاکید بیشتری داشت.

افزون بر این، نمودار ۵ که بر اساس خروجی نرم‌افزار ماکتور طراحی شده است تا نقش بازیگران را احتساب کند، نشان می‌دهد که در ربع شمال شرقی (مرجع دارای اضلاع قرمز رنگ)، بازیگر کاملاً مسلط (اثر گذارترین، اثر ناپذیرترین) وجود ندارد و از این روی، بدون تغییر چشمگیر در کنترل بر منابع رانت، موضع عملی بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی در قبال ایران و نسبت کنونی قدرت چانه‌زنی بین گروه‌های مختلف، چیدمان کنونی نظم

اجتماعی- سیاسی البته با حفظ تناوب دوره‌های اعتراضی، ادامه خواهد یافت؛ وضعیتی که به بازنگری اساسی در جهت رفع تضاد بین ساختار حکمرانی و ترجیحات مردمی، به نفع ترجیحات شهروندان (به خصوص آزادی انتخاب، رفع تبعیض در دسترسی به حقوق، رفع تبعیض قومی، جنسیتی، مذهبی و تعامل سازنده با جهان) نیاز دارد.

نمودار ۵. چیدمان بازیگران موثر بر روند توسعه در ۱۴۰۲



## پیوست: محاسبه شاخص سیمرغ توسعه

مدل سیمرغ توسعه یک مدل تحلیلی بومی برای توسعه است که ایده بنیادین آن بر مفهوم باستانی سیمرغ و سیمرغ عطار نیشابوری اتکا دارد. هرچند که سیمرغ عطار نیشابوری، روایتی عرفانی است اما برداشت زمینی و توسعه‌ای از آن بر پایه مفهوم گذار از حالت «سی مرغ» به «سیمرغ» امکان‌پذیر است. افزون بر این، مهمترین وجه تمایز مدل سیمرغ توسعه از سایر مدل‌ها، برجسته‌سازی نقش بازیگران اجتماعی (سازمان‌های مختلف) در تغییرات عناصر مدل است. اگر مجموعه بازیگران توسعه از سی مرغ منزوی یا کوتاه‌نگر و ریسک‌گریز به سیمرغ همکار، هماهنگ و دارای اعتماد به یکدیگر تبدیل شوند آنگاه پتانسیل توسعه افزایش می‌یابد. اما در صورتی که بازیگران موثر روی توسعه، راهبردهایی متضاد در پیش گیرند (مثلا در کرسی‌های مختلف قدرت، قوانین یا مقرراتی متناقض هم، یا گیج‌کننده کنشگران و ابهام‌آمیز و موازی تصویب کنند) آنگاه قوه توسعه هدر می‌رود و پتانسیل آن افت می‌کند. نورث (۲۰۰۵) تحلیل توسعه را بر اساس سه مولفه نسبت جمعیت به منابع، یا تحولات جمعیتی، اندوخته دانش و دولت، پیشنهاد می‌کند. در ادامه نورث و همکاران (۱۳۹۶) مفهوم فرادستان یا سازمان‌های فرادست را به کار می‌برند و روی ائتلاف غالب از فرادستان، تمرکز می‌یابند. در مدل سیمرغ توسعه، چهار گروه بازیگر فرادست (سازمان) در نظر گرفته می‌شوند که در حوزه‌های تنظیم حقوق، قوانین، مقررات و اجرای آنها، انجام مبادلات، دانش مبادلات و پراکنش اطلاعات مربوط به فرصت‌های مبادلات، بازخوردها و قوانین مربوط به مبادلات، شرکت دارند (نمودار پ-۱). هر یک از این گروه‌ها نقش‌های متفاوتی را به عهده دارند. مراجع کنش، روی فرصت‌های مبادله متمرکزند؛ سازمان‌های صنفی، مراجع کنش را تشکیل می‌دهند. مراجع دانایی در زمینه دانش تبدیل منابع به سرمایه و ثروت، سنجش منابع و ابداع روش‌ها و مکانیزم‌های مبادله، فعالیت دارند. مراجع نهش، کارکردهای حکمرانی را ایفا می‌کنند و در اصل، کارگزار گروه‌های مختلف اجتماعی هستند اما به علت برخورداری از امتیاز کنترل سازمان‌های نظامی، از امکان تبعیض در میان کارفرمایان خود برخوردارند و می‌توانند برخی از گروه‌های را محروم کنند. مراجع پراکنش، اطلاعات را به جریان می‌اندازند و بازخوردهای مربوط به حوزه مبادله، دانایی و حکمرانی را پخش می‌کنند.

البته در جوامع امروزی، مرز دقیقی بین این بازیگران نمی‌توان ترسیم کرد چون اغلب سازمان‌های صنفی نیز از ساختاری اختاپوسی<sup>۲</sup> برخوردارند اما تفکیک چهارگانه، بر اساس نقش و کارکرد، دارای مرز به نسبت روشنی است. افزون بر این، مراجع نهش نقش به نسبت متمایزی دارند که آنها را در زمره کارگزار قرار می‌دهد؛ مراجع کنش، نقش اصلی را در تامین مالی این مراجع به عهده دارند (اغلب به صورت مالیات و حمایت انتخاباتی) و در قبال آن، از بابت وظایف کلاسیک حکومت‌ها، مطالبه‌گری می‌کنند. در این ساختار ارتباطی، مراجع دانش نیز طرف مشورت هستند و هزینه-فایده تصمیمات و سیاست‌ها را سنجیده و گزارش می‌دهند.

#### نمودار پ-۱- بازیگران در مدل سیمرخ توسعه



زورگویی و تبعیض، دو عامل مهمی هستند که شکست هماهنگی، تکروری در عوض همکاری و عدم اعتماد را گسترش می‌دهند. این دو عامل، در همه جوامع وجود دارند اما درجات متفاوتی از آنها به چشم می‌خورد و نوع کنترل و مقابله با آنها نیز متفاوت است. شیوه کنترل و مقابله با زور و تبعیض، یکی از برون‌دادهای ساختار اجتماعی، قوانین و مقرراتی است که در جوامع وضع و اجرا می‌شود. سازمان‌های فرادست در تنظیم این قوانین و مقررات، نقش دارند. میزان جلوگیری از زور و تبعیض، بر اساس روابط متقابل سازمان‌های فرادست و تعارض منافع، تعیین

<sup>۲</sup> - Conglomerate

می‌شود. روابط بین سازمان‌های فرادست یک فضای حالت به وجود می‌آورد که جنبه پویای سیمرخ توسعه است. جنبه پویای توسعه به معنای گذار از حاکمیت امتیاز در میان گروه‌های قدرتمند و فرادست به حاکمیت قانون، جلوگیری از ورود نظامیان به سیاست و اقتصاد، به‌خصوص از نظر پاسخگویی آنها به نهادهای مدنی و دمکراتیک و در نهایت، ثبات سازمان‌ها و آزادی عمومی در ایجاد و دسترسی به انواع سازمان است. جنبه مقطعی توسعه به مدیریت امور جاری می‌پردازد که سه رکن دسترسی به فرصت‌ها و منابع رشد و توسعه در ارتباط جامعه با نظام بین‌المللی و توزیع این فرصت‌ها و منابع در مناطق و استان‌های کشور، دانایی در زمینه بهبود روش‌های افزایش منابع یا بهره‌گیری از فرصت‌ها و استفاده کارآمد از منابع و در نهایت کاهش هزینه‌های مربوط به هماهنگی برای انجام معاملات، اجرای تصمیم‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و حذف موانع سرعت در انجام معاملات است. اگر جنبه پویا نادیده گرفته شود آنگاه ممکن است به صورت مقطعی، رشدی ایجاد شود اما این رشد باثبات نیست و از میزان معینی فراتر نمی‌رود. اما در صورت توجه به جنبه پویا، جامعه می‌تواند پتانسیل‌های خود را آزاد کند و نوآوری در عرصه‌های مختلف زیست فردی و اجتماعی افزایش یابد.

در اصل، جنبه مقطعی نیز بخشی از جنبه پویاست و سیمرخ توسعه، یک فرایند پیوسته زمانی است؛ یعنی بازیگرانی که در فرایند وضع قوانین، چانه‌زنی می‌کنند، در واقع، برای منافع خود چانه می‌زنند اما همه گروه‌های اجتماعی، در این بازی، نماینده ندارند و هر چه نماینده گروه‌ها، کمتر باشد یا به ترجیحات گروه‌های اجتماعی متبوع خود، پایبند نباشد، زورگویی و تبعیض بیشتر می‌شود که در سطح مقاطع خود را نشان می‌دهد؛ مانند تخصیص کمتر منابع و فرصت توسعه به برخی مناطق.

اما وضع قوانین و مقررات، اجرای آنها و تعیین مرزبندی و تقسیم کار سازمان‌های حاکمیتی، اجرایی، نظامی و ... علاوه بر تعیین فرصت‌های سودآور (برای قدرت، منزلت و ثروت)، سطح حاکمیت قانون، منع نظامیان از ورود به عرصه سیاست و اقتصاد و دسترسی همگان به سازمان‌ها را نیز مشخص و مقید می‌کند که در بلندمدت، کنترل زورگویی گروهی بر گروه دیگر یا سازمانی بر یک یا چند گروه و تبعیض علیه یک یا چند گروه را تعیین می‌کند. در هر برش مقطعی از این فرایند در جریان و پیوسته، کنشگران این علایم را بر اساس سابقه ذهنی خود تفسیر کرده و دست به انتخاب می‌زنند. بسته به هزینه (موانع انجام) مبادله و تبدیل این فرصت‌ها به منفعت، در نهایت انتخاب‌ها، انباشت و عملکرد توسعه‌ای متناسب خود را دارد که گروه‌های فرادست نیز از آن بازخورد می‌گیرند

و این فرایند در طی زمان ادامه می‌یابد. بنابراین، مدل سیمرخ توسعه دارای دو جنبه پویا و مقطعی است که برای هر مقطع، زیرشاخص‌های زیر سنجیده می‌شود:

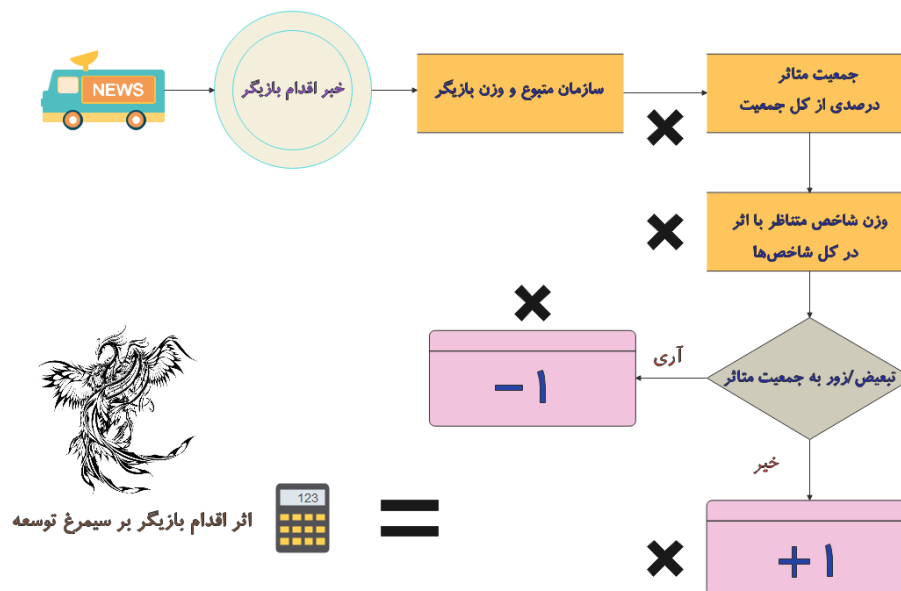
❖ قوه پویا

- رفع تبعیض
- مهار زور
- ترمیم شکاف

❖ قوه مقطعی

- دسترسی جغرافیایی
- اندوخته دانایی
- هزینه مبادله

برای محاسبه شاخص سیمرخ توسعه برای ایران، از روش زیر استفاده می‌شود:



ابتدا اقدام بازیگر (راهبرد، برنامه، سیاست، فعالیت) از طریق منابع رسمی (سازمانی و اخبار) گردآوری می‌شود و سپس بر اساس سازمان متبوع بازیگر (حاکمیتی، نظامی، ...)، وزن بازیگر تعیین شده و در جمعیت متأثر از اقدام

بازیگر (درصدی از کل جمعیت)، ضرب می‌شود. اقدام بازیگر بر یکی از زیرشاخص‌های سیمرخ توسعه اثر می‌گذارد و در ادامه، وزن آن زیرشاخص در کل شاخص‌ها، از فهرست وزنی، استخراج و در عدد قبلی ضرب می‌شود. علامت اقدام نیز به افزایش تبعیض یا زور علیه جمعیت متاثر (۱-) یا کاهش آنها (۱+) بستگی دارد. گزارش‌های مبتنی بر روش بالا، هر سه ماه یکبار و تحت عنوان نماگرهای سیمرخ توسعه، توسط اندیشگاه طرح هزاره پاسارگاد انتشار می‌یابد.

اما با توجه به محدودیت داده درباره بازیگران، در نسخه بین‌المللی سیمرخ توسعه که امکان مقایسه کشورها را از منظر اثرگذاری چهار دسته بازیگر پیش گفته، فراهم می‌آورد، داده‌های مربوط به شاخص بین‌المللی لگاتوم، بر اساس اثر چهار گروه بازیگر در دو بعد پویا یا روندی و مقطعی، دسته‌بندی و محاسبه می‌شود. خوانندگان علاقه‌مند می‌توانند گزارش مفصل روش‌شناسی سیمرخ توسعه و شاخص بین‌المللی سیمرخ توسعه ۲۰۲۱ برای کشورهای جهان را در سایت موسسه اندیشه و پژوهش طرح هزاره پاسارگاد، مشاهده کنند.<sup>۳</sup>

**منابع اصلی:**

نورث، داگلاس و سایرین (۱۳۹۶) خشونت و نظم‌های اجتماعی: چارچوبی مفهومی برای تفسیر تاریخ مکتوب بشری، ترجمه جعفر خیرخواهان و رضا معیدزاده، انتشارات روزنه.

Greif, Avner (۲۰۰۶) Institutions and the path to the modern economy, Cambridge University Press.

Tsebelis, G. (۱۹۹۰), "Nested Games: Rational Choice in Comparative Politics", University of California Press.

<https://www.prosperity.com/about/resources>.

---

<http://www.iranvision۱۴۰۴.com/>

[www.developmentactorsindex.com](http://www.developmentactorsindex.com)

ایمیل:

[info@developmentactorsindex.com](mailto:info@developmentactorsindex.com)

---